

مطالعات تاریخی جنگ؛ فصلنامه علمی، مقاله علمی - پژوهشی
دوره سوم، شماره اول (پیاپی ۷)، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۳۹-۱۶۲

دفاع مقدس و قدرت جهانی (واکاوی سوابق نظری محققان روسی)

محمد فرهادی؛* رسول یاحی؛** نوروز هاشم زهی؛*** انسیه اصغری****

چکیده

مقاله حاضر در صدد بررسی رویکرد قدرت‌های جهانی نسبت به دفاع مقدس با تأکید بر رویکرد محققین روسیه است. پس از گسترش فضای مفهومی موضوع پژوهش، از رویکردهای نظری موازنه قوا و مهار دوجانبه برای تبیین نظری موضوع، استفاده شده است. داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی و از نوع مطالعات اسنادی در متون و پژوهش‌های روسی و روش نمونه‌گیری هدفمند با اشباع نظری گردآوری شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که جنگ ایران و عراق از نگاه قدرت‌های جهانی یکی از پیچیده‌ترین جنگ‌های جهان و منطقه بود. این جنگ که به دنبال خلأ راهبردی پدید آمده، در ساختار قدرت خاورمیانه شکل گرفت؛ موجب شد تا حکومت بعثی عراق از ماهیت تغییر و تحول به وجود آمده در ایران، احساس فرصت و هم‌احساس تهدید کند. این برداشت، موجب هم‌سوئی تدریجی عراق با منافع ایالات متحده در منطقه شده و در نهایت سبب شروع جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران شد. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و مقاومت ایران در طول هشت سال دفاع مقدس علی‌رغم نابرابری در تمام زمینه‌ها با عراق، ارزشیابی

* نویسنده مسئول: دکتری مطالعات منطقه‌ای، گرایش روسیه و آسیای مرکزی، علوم آکادمی تاجیکستان،

farhadi_m2222@yahoo.com

** کارشناس ارشد علوم نظامی m_karimi989@yahoo.com

*** دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه

آزاد اسلامی واحد تهران شرق، hashemzehi@yahoo.com

**** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، عضو گروه مطالعات اقتصادی اجتماعی مرکز

پژوهش‌های اجتماعی کندوکاو، تهران، ایران en_asghari2012@yahoo.com

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۳ |

و قضاوت همراه با تعریف و تمجید بسیاری از محققان کشورهای مختلف از جمله محققین روسیه را در پی داشته است.
واژه‌های کلیدی: دفاع مقدس، جنگ، قدرت‌های جهانی، ایران، محققان روسی.

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به پیروزی رسید که نظام دو قطبی بر فضای بین‌الملل حاکم بود و ایالات متحده و شوروی به منزله رهبران نظام دو قطبی، تصمیم‌گیران اصلی نظام بین‌الملل به شمار می‌رفتند. البته، قدرت‌های بزرگ دیگری مانند چین و جامعه اروپا نیز در سیاست بین‌المللی، ایفای نقش می‌کردند، ولی نقش آن‌ها تعیین‌کننده نبود. در چنین شرایطی، وقوع انقلاب اسلامی و اعلام استقلال از بلوک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب و شرق برای ابرقدرت‌های بزرگ بین‌المللی با توجه به نفوذ تاریخی آن‌ها و احتمال قطع منافع ملی و بین‌المللی، پذیرفتنی نبود؛ بنابراین وقوع انقلاب اسلامی ایران و شعارهای آن مبنی بر عدم پذیرش نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی و حمایت انقلاب اسلامی از جنبش‌های آزادی‌بخش در جهان سوم، زمینه‌های اختلاف و برخورد بین ایران و ابرقدرت‌ها را فراهم آورد (ماه‌نامه نگاه، ۱۳۸۱: ۱۰-۲۵). بنابراین بررسی سیاست‌های ابرقدرت‌ها و حمایت همه‌جانبه آن‌ها از عراق مسأله بسیار مهمی است که تلاش داریم تا از نگاه نخبگان روسیه به آن پردازیم. آنچه اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع را نشان می‌دهد، به قرار زیر است:

الف) ایران می‌تواند با استناد به پژوهش‌ها و اسناد محققان خارجی، مظلوم واقع شدن خود را در برابر افکار عمومی جهان نشان دهد.

ب) نگاه اسناد روسی در رابطه با دفاع مقدس را بررسی نموده و این مسأله در پیچه جدیدی در جهت تحلیل جنگ ۸ ساله بر اساس پژوهش‌ها و اسناد خارجی برای محققان داخلی ایجاد کند.

ج) فراهم شدن زمینه تحقیق در مورد صاحب‌نظران دیگر کشورها به خصوص اروپا و آمریکا.

قابل ذکر است که این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است و روش به کار رفته برای تحلیل مباحث پژوهش حاضر، روش «تحلیل اسنادی و نظری» با هدف دست یافتن

به دیدگاه‌های جدید و ژرف‌نگری در موضوعات مرتبط با دفاع مقدس و جنگ هشت ساله عراق علیه ایران است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

علی‌رغم انجام پژوهش‌های فراوان در زمینه دفاع مقدس، تاکنون به صورت مستقل، کم‌تر به بررسی ساختار نظام بین‌المللی و سیاست جامعه جهانی در قبال این جنگ پرداخته‌اند. نظراتی که پیرامون این موضوع در ادامه می‌آید به نحوی متفاوت به مسأله‌ی جنگ و دفاع مقدس اشاره دارند و هیچ کدام به طرح، دفاع یا انکار فرضیه این پژوهش به صورت خاص و منسجم توجه نداشته‌اند. برای روشن شدن پیشینه تحقیق به ذکر چند نمونه از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اکتفا می‌شود. فرهاد درویشی و ملیحه رضایی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان: «نقطه زینی در نظریه بازی‌ها مطالعه موردی: جنگ ایران و عراق» بررسی می‌کند که یکی از نظریاتی که در عرصه روابط بین‌الملل وجود داشته و از طریق آن می‌توان به بررسی حوادثی از قبیل جنگ‌ها پرداخت، نظریه بازی‌ها است. از نکات محوری این نظریه، عقلانیت بازیگران شرکت کننده در یک بازی است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در میان مراحل مختلف، نقطه زینی در جنگ ایران و عراق، مرحله سوم یا همان زمان صدور قطعنامه ۵۹۸ بوده است. محمدسالار کسرائی و سید رحیم موسوی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان: «انقلاب و جنگ ایران و عراق» این سؤال را مطرح می‌کنند که چرا انقلاب ایران بعد از پیروزی، به جنگ با کشور عراق کشیده شد؟ نویسنده با روش مطالعه موردی و استفاده از شیوه‌ی تطبیق الگو، در پاسخ به پرسش بالا، توضیح می‌دهد که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نظم سیاسی سابق در منطقه به هم خورده و کشور ایران در یک شرایط پسا انقلابی خاص خود قرار گرفته بود؛ از یک طرف با گروه‌های ناراضی از انقلاب در درون و بیرون از مرزهایش درگیر بود و از طرف دیگر، سعی بر حفظ و صدور انقلاب، به عنوان یک الگوی حکومتی برای کشورهای مسلمان داشت که سرانجام با محاسبات غلط رژیم بعث عراق در ارزیابی توان دفاعی ایران، تهاجم سراسری رژیم بعث عراق به خاک ایران، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شکل می‌گیرد.

اکساندر خرامچیخین (Alexander Kharamchi Khin, 2014) در پژوهشی با عنوان: «جنگ ایران و عراق» ابتدا ضمن بررسی جنگ ایران و عراق تلاش دارد تا عملکرد نظام

بین‌الملل در این خصوص را مورد نقد و بررسی قرار دهد. نیازماتوف، (Niyazmatov, 1989) در پژوهشی با عنوان: «کشمکش ایران و عراق» نگارنده ضمن بررسی دلایل و عوامل مؤثر بر جنگ ایران و عراق تلاش دارد تا با استناد به آمار و ارقام میزان کمک‌های انجام شده به دو کشور ایران و عراق را بررسی نماید. اناستاتسیا، (Anastasia, 2014) در پژوهشی با عنوان: «سیاست ایالات متحده در روابط با عراق؛ از دکتترین کارتر تا جنگ در خلیج فارس (۱۹۸۰-۱۹۹۰)» ابتدا ضمن بررسی موضوع جنگ در بعد کلی، تلاش دارد تا سیاست‌های آمریکا در خلیج فارس به خصوص در جنگ ایران و عراق را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد؛ لذا موضوع بحث خود را بر دوره زمانی ۱۹۸۰-۱۹۹۰ متمرکز نموده و تحلیلی جامع از سیاست ایالات متحده در این دوره ارائه می‌دهد. سلینکین. ام. ام. (Selinquin, M. M. 2016) در پژوهشی با عنوان: «جنگ ایران و عراق، تجربه جنگی، عملیات جنگی و قدرت دریایی» ابتدا ضمن بررسی عوامل مؤثر بر وقوع جنگ ایران و عراق در ادامه تلاش دارد این جنگ را از دو بعد عملیات جنگی و قدرت دریایی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

۲- چارچوب نظری پژوهش

نظریه موازنه قوا با مفروضات اصلی نظریه واقع‌گرایی نقاط مشترک متعددی دارد. در نتیجه، نظریه موازنه قوا نیز نظام بین‌الملل را آنارشیک و فاقد اقتدار مسلط می‌داند. دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل هستند که درصدد حفظ بقای خود و به دنبال ایجاد سلطه هستند و هدف اصلی آن‌ها افزایش قدرت یا امنیت است (Waltz, 1979 : 127). دولت‌ها برای دستیابی به اهداف خود از همه ابزارهای موجود به شیوه معقول استفاده می‌کنند؛ ترس از نتایج ناخواسته، دولت‌ها را تحریک می‌کند به شیوه‌ای عمل کنند که به شکل‌گیری موازنه قوا منجر نشود (Levy and Thompson, 2010:3).

نظریه موازنه قوا جنگ پیشگیرانه را جایز می‌داند و اصولاً چنین جنگی به خاطر مهار دشمن توسعه‌طلب مشروع است. مورگنتا^۱ جنگ پیشگیرانه را پیامد طبیعی موازنه قوا می‌داند؛ چرا که هدف نهایی نظام موازنه قوا جلوگیری از بلندپروازی یک دولت برای سلطه بر همسایگان و حفظ استقلال دولت‌های عضو است و این امر گاهی از طریق توسل به جنگ صورت می‌گیرد (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۳۴۶). لذا با توجه به این مطلب و در راستای

^۱ . Hans J Morgenta.

دفاع مقدس و قدرت جهانی ... | ۱۴۳

موازنه قوا در جنگ ایران و عراق می‌توان بیان داشت که ارزش صلح تابع ارزش امنیت است و جنگ پیشگیرانه نقض سیستماتیک موازنه قوا نیست؛ بلکه جزئی از کارکرد سیستم است (Claude, 1989: 78).

دو کشور ایران و عراق از لحاظ تاریخی همواره به عنوان اصلی‌ترین و قدرتمندترین بازیگران منطقه خلیج فارس شناخته شده‌اند و مؤلفه‌های مختلف قدرت ملی آن‌ها از جمله جمعیت، منابع طبیعی عظیم، احساسات ملی‌گرایانه و وجود رهبران کاریزماتیک در هر دو کشور به این امر کمک کرده است. از طرفی، وجود چنین ظرفیت عظیمی برای اعمال نفوذ و تفوق بر همسایگان نه چندان قدرتمند باعث اختلافات میان دو کشور شده است. اوج گرفتن این اختلافات پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نهایتاً به وقوع درگیری نظامی میان دو کشور انجامید. هر چند وقوع جنگ میان دو کشور دلایل بسیار متعددی دارد، تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دولت‌های ایالات متحده تلاش می‌کردند با حمایت از رژیم شاه، ضمن حفظ موازنه قدرت میان دو کشور ایران و عراق و ممانعت از تفوق یکی از دو کشور بر منطقه، از نفوذ شوروی سابق (که روابط تنگاتنگی با عراق داشت) و دست‌یابی این کشور به منابع عظیم نفتی منطقه، جلوگیری کنند. دوم، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و به هم خوردن معادلات منطقه، دولت ایالات متحده تلاش کرد با اتخاذ سیاست مهار دوجانبه و وارد کردن کشورهای منطقه در قالب شورای همکاری خلیج [فارس]، دو کشور ایران و عراق را از طرق مختلف مهار کند.

نظریه موازنه قوا در روابط بین‌الملل بیان می‌کند که امنیت ملی زمانی افزایش می‌یابد که توانمندی‌ها و قدرت نظامی به نحوی در میان بازیگران مختلف توزیع شود که هیچ دولتی به‌تنهایی آن اندازه قدرتمند نباشد که بر دیگر دولت‌ها تفوق پیدا کند. در این شرایط، اگر یک کشور بسیار قدرتمندتر از یکی از همسایگان خود و یا مجموعه همسایگان خود در کنار هم شود، بر اساس پیش‌بینی‌های این نظریه، این کشور از قدرت برتر و تفوق خود برای حمله و سلطه بر دولت‌های ضعیف اطراف خود استفاده می‌کند که همین شرایط انگیزه‌ای را برای طرف‌های ضعیف به منظور ایجاد یک ائتلاف دفاعی در برابر قدرت برتر ایجاد می‌کند.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، دولت‌های ایالات متحده تا پیش از انقلاب اسلامی ایران همواره از رژیم شاه حمایت می‌کردند و در این راستا انواع کمک‌های تسلیحاتی،

فنی و لجستیک را در اختیار شاه قرار می‌دادند. از سوی دیگر شوروی نیز همین کمک‌ها را در اختیار رژیم بعث حاکم بر عراق قرار می‌داد و طرف‌های این مناقشه به دنبال موازنه قدرت میان دو کشور بودند تا از تفوق یک کشور بر دیگری و در نهایت بر کل منطقه جلوگیری کنند؛ اما با وقوع انقلاب اسلامی، اوضاع منطقه کاملاً تغییر پیدا کرد. در این شرایط دولت‌مردان ایالات متحده بر اساس دکترین کارتر و به دلیل مقابله با اهداف جمهوری اسلامی، حمایت‌های خود را از رژیم حاکم بر عراق شروع کردند؛ بنابراین عراق در موضعی تهاجمی نسبت به ایران و انقلاب اسلامی قرار گرفت در ادامه به بررسی سیاست شوروی و آمریکا خواهیم پرداخت.

۳. سیاست شوروی

اتحاد جماهیر شوروی برخلاف ایالات متحده، از این‌که هیچ‌یک از دو کشور پیروز جنگ نشوند، نافع نبود و عملاً برای پیروزی عراق تلاش می‌کرد. چرا که پیروزی ایران وضعیت آن را در جهان مسلمانان و رهبری ایران را در میان کشورهای مسلمان عرب تقویت می‌نمود؛ اما برخلاف ایران، پیروزی عراق باعث تقویت جهت‌گیری‌های ضد ایالات متحده می‌شد و به همین خاطر شوروی در همان ابتدای جنگ و بر اساس قرارداد ۱۹۷۲ شروع به حمایت مستقیم از عراق نمود (Хазанов^۱, 1995: 426). ایران نیز در واکنش به این عمل مسکو، تمام ارتباطات تجاری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را با شوروی قطع نمود (Демченко^۲, 1982: 9). روس‌ها سیاست شوروی در قبال انقلاب و دفاع مقدس را به دو دوره تقسیم می‌کنند:

الف) دوره اول از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰: در این دوره سیاست خارجی شوروی در قبال انقلاب اسلامی ایران با نوعی انتظار همراه بود و این کشور منتظر موضع‌گیری رهبران انقلاب اسلامی ایران بود. هرچند شوروی متأثر از دلایل زیر نگاه بدبینانه‌ای به انقلاب اسلامی داشت:

نخست: دیدگاه کلی شوروی نسبت به انقلاب ایران مثبت نبود.

دوم: شوروی خود درگیر جنگ در افغانستان بود.

سوم: جمهوری اسلامی حضور شوروی در کشور مسلمان افغانستان را محکوم کرد.

^۱ . Khazanov

^۲ . Demchenko

چهارم: این کشور نگران دستگاه تبلیغاتی ایران در جمهوری‌های مسلمان‌نشین شوروی بود.

پنجم: شوروی نگران عدم امنیت در مرزهای مشترک خود با ایران بود.

ششم: نگرانی از سیاست خارجی ایران (Murtazaeva¹, 2014: 179-181).

ب) مرحله دوم سیاست شوروی از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ را در برمی‌گیرد. این دوره خود به دو دوره تقسیم می‌شود: دوره نخست از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴؛ در این دوره فضای بی‌اعتمادی بر روابط دو کشور ایران حاکم بود و دو کشور تمامی روابط خود را قطع کردند. سیاست انقلابی ایران در جهت صدور انقلاب و شعار ایران مبنی بر نه شرقی نه غربی و محکومیت حضور شوروی در افغانستان و بعضاً کمک به مجاهدین عوامل تأثیرگذار بر این فضا بودند که در این دوره شاهد کمک شوروی به عراق و حمایت همه جانبه از دولت عراق هستیم. دوره دوم شامل سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ است که در این دوره روابط ایران و اتحاد شوروی اندکی بهبود یافت. از نگاه اسناد روسی هر چه از عمر انقلاب می‌گذشت، نظر شوروی به ایران، انقلاب و جنگ مساعدتر می‌شد؛ اما بررسی و تجزیه و تحلیل آمارهای کمک نظامی شوروی به عراق خلاف آن را نشان می‌دهد (ibid)؛ اما سیاست‌های شوروی از نگاه محققان ایران سه مرحله دارد. مرحله اول از اوایل انقلاب و جنگ تا ۱۹۸۲؛ در این دوره، این کشور برای حفظ منافع آتی خود، در حالی که عراق هنوز متحد شوروی و از نظر نظامی وابسته به مسکو بود، ابتدا از ارسال اسلحه و تدارکات نظامی به ایران امتناع نمود (درودیان، ۱۳۸۰: ۶۳). چند عامل در جبهه‌گیری مسکو به نفع عراق نقش داشت:

اول: این‌که اگر عراق که با شوروی پیمان دوستی منعقد کرده بود، سرنگون می‌شد و اعتبار مسکو از بین می‌رفت.

دوم: این‌که تهاجم اسرائیل به لبنان و شکست سوریه نیز اعتبار مسکو را به خطر می‌افکند.

سوم: عدم توانایی سلاح‌های ساخت شوروی در لبنان در شکست سوریه و کاهش مناطق تحت نفوذ این کشور در خاورمیانه عواملی بود که مسکو را به ادامه کمک به عراق متعهد می‌ساخت. حمایت مسکو از عراق نیز فرصت‌های جدیدی را برای خاورمیانه و جهان عرب فراهم ساخت. برقراری مجدد روابط با مصر در سال ۱۹۸۴ و بهبود روابط با

¹ . Murtazaeva

عمان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی از نتایج حمایت شوروی از عراق بود. روابط مسکو با کویت نیز بهبود یافت و دو کشور قرارداد دفاعی برای خرید سلاح‌های روسی، مانند سامانه دفاع هوایی سام ۸ را به امضاء رساندند. مسکو در همین زمان ضمن عقد قرارداد فروش دو میلیارد دلار تسلیحات به عراق در عین حال می‌کوشید تا با فشار بر کره شمالی و دیگر کشورهای کمونیستی از فروش سلاح به ایران جلوگیری کند (موری، ۱۳۷۴: ۲۱۷).

حسین یکتا به نقل از مؤسسه مطالعات سیاست خارجی بروکینگز در این باره می‌نویسد: «دولت شوروی علاقه ندارد ایران در جنگ با عراق پیروز شود. حکومت تهران همان گونه که ضدآمریکایی است، ضد شوروی نیز هست. در این صورت اگر عراق شکست بخورد و یا حزب بعث جای خود را به یک حکومت اسلامی بدهد، شوروی یک متحد مهم را از دست خواهد داد» (یکتا، ۱۳۸۸). برای جلوگیری از وقوع چنین امری، زمانی که نیروهای ایران وارد خاک عراق شدند و دولت عراق به خطر افتاد، شوروی برای برقراری توازن در جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران، کمک مالی و تسلیحاتی خود به عراق را از سر گرفت و در همان ابتدا کمکی ۱/۵ میلیارد دلاری در اختیار بغداد گذاشت. در ادامه این کمک‌ها، ارسال انواع تجهیزات نظامی پیشرفته از جمله میگ‌های ۲۳ و ۲۵ و تانک‌های تی ۷۲ و موشک‌های زمین به زمین و زمین به هوا که ساخت کشور شوروی بود به عراق سرازیر شد و حدود دو هزار مستشار شوروی برای کمک و تقویت ارتش عراق به ویژه روحیه پرسنل که بسیار ضعیف شده بود، به فعالیت پرداختند. رهبران شوروی به وضوح به این نتیجه رسیده بودند که پیروزی نظامی ایران می‌تواند تهدیدی جدی برای توازن قوا در منطقه باشد. بنابراین تمام توان خود را برای جلوگیری از این امر به کار گرفتند (امیراحمدی، ۱۳۸۴: ۸۲). در نوامبر ۱۹۸۳م نیز بین هزار تا هزار و دویست مشاور نظامی شوروی به عراق برگشتند و ۴۰۰ دستگاه تانک تی ۵۵ و ۲۵۰ دستگاه تانک تی ۱۲ به عراق داده شد و مقادیر عظیمی موشک گراد، فراگ ۷، سام ۹ و اسکاد بی نیز به عراق تحویل داده شد. عراق تنها کشوری از بلوک شرق بود که به موشک اسکاد بی مجهز شد (صدقی، ۱۳۸۶: ۲۸۳). شوروی در فاصله سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۶ یک‌بار دیگر به طور علنی از عراق حمایت کرد. پیروزی‌های نظامی ایران به ویژه تصرف فاو در کنار خروج شوروی از افغانستان، تجدید حیات اسلامی در آسیای میانه و سیاست پروستریکای گورباچف در تغییر راهبرد مسکو نقش داشت. پیروزی ایران

در فاو صرفاً در نتیجه استفاده از نیروی انسانی به دست نیامده بود؛ بلکه یک عملیات پیچیده و با طراحی ویژه بود. این پیروزی موج نگرانی را در بین کشورهای جهان به خصوص کشورهای منطقه، به ویژه عربستان و کویت ایجاد کرد. ارتش ایران به منطقه خور عبدالله در مقابل مرزهای کویت رسید و مرکز هشدار دهنده و کنترل هوایی عراق را که خلیج فارس را تحت پوشش قرار می داد تصرف کرد. تلاش عراق برای باز پس گرفتن فاو شکست خورد و این کشور برای جبران شکست روانی خود شهر مرزی مهران را اشغال کرد که بعد از مدت کوتاهی با تحمل خسارات فراوان مجبور به عقب نشینی شد (درودیان، ۱۳۸۰: ۵۲).

شکست راهبرد دفاع متحرک عراق منجر به این شد که بسیاری در غرب و شوروی، عراق را به اتخاذ راهبرد تهاجمی ترغیب نمایند. مقام‌های رسمی در مسکو به این باور رسیدند که جنگ یک راه حل صلح آمیز ندارد و باید توازن نظامی به نفع عراق تغییر کند تعدادی از مقامات عالی رتبه نظامی عراق با تحلیل گران نظامی شوروی هم عقیده بودند و به طور غیررسمی اظهار می کردند که عراق از نظر نفرات و امکانات فاقد توان لازم برای اتخاذ یک راهبرد تهاجمی است (<http://dsrc.ir/View/article.aspx?id=1487>). راهبرد مسکو در این دوران انتقال تسلیحات مدرن به عراق بود تا ایران مجبور به پذیرش راه حل‌های سیاسی شود. در واقع پس از به قدرت رسیدن گورباچف در سال ۱۹۸۵، فعالیت دیپلماتیک شوروی در خصوص جنگ ایران و عراق افزایش یافت. با آغاز سال ۱۹۸۶ و انتخاب ادوارد شواردنادزه^۱ به سمت وزیر امور خارجه، سیاست خارجی شوروی در برابر مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای دست‌خوش تحول اساسی شد.

۴. سیاست مهار دوجانبه و ایالات متحده

این سیاست برای نخستین بار توسط مارتین ایندیک^۲ در سال ۱۹۹۳ و در موسسه مطالعات شرق نزدیک واشنگتن اعلام شد و سپس توسط مشاور ارشد شورای امنیت ملی دولت بیل کلینتون به عنوان نقشه راهی برای تدوین راهبرد سیاست خارجی ایالات متحده در رابطه با منطقه خلیج فارس در دوران پس از جنگ سرد به کار گرفته شد. هر چند این

^۱ . Eduard Shevardnadze

^۲ . Martin Indik

سیاست از مدت‌ها پیش و با الهام از سیاست سد نفوذ جرج کنان^۱ (۱۹۴۶) به طرق مختلف توسط ایالات متحده پیگیری می‌شد. این سیاست برای نخستین بار از سوی کنان و با هدف مهار شوروی مطرح شد؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی رژیم پهلوی در ایران در سال ۱۹۷۹م باعث ظهور ایران به عنوان بازیگر منطقه‌ای عمده معارض ایالات متحده در خاورمیانه شد. این امر به طراحی راهبردها و سیاست‌های مختلفی از سوی واشنگتن در جهت کنترل و تضعیف ایران از دهه ۱۹۸۰ تاکنون به شکل‌های مختلف شده است (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۹۲). گرچه کاربرد دقیق و علمی این سیاست به دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد، ولی سیاست مهار دوجانبه در آغاز جنگ ایران و عراق به کار برده شد؛ چرا که هر دو قدرت تقریباً مخالف با سیاست ایالات متحده عمل می‌کردند. لذا بروز و گسترش جنگ به طور خودکار آن‌ها را تضعیف و فاقد پتانسیل تهدید می‌کرد. از این رو تهاجم نظامی عراق به ایران در شهریور ۱۳۵۹ و آغاز جنگ هشت ساله بین دو کشور در آخرین ماه‌های دوران ریاست جمهوری کارتر آغاز شد و در دوران ریگان ادامه یافت. سیاست‌مداران و دولت‌مردان ایالات متحده طبعاً نمی‌توانستند در قبال این رویداد بی‌تفاوت بمانند؛ چرا که نخست جنگ در منطقه خلیج فارس جریان داشت، منطقه‌ای که دولت ایالت متحده حداقل پس از سال ۱۳۵۰ه.ش در آن دارای منافع اساسی بود؛ دوم، سرنوشت جنگ با توجه به طرف‌های درگیر در آن برای ایالات متحده اهمیت زیادی داشت، چرا که در یک‌سوی آن ایران قرار داشت که علی‌رغم اتحاد و دوستی عمیق با ایالات متحده در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، پس از این رویداد به دشمن اصلی ایالات متحده در منطقه مبدل شده بود و در سوی دیگر عراق، کشوری که از سال ۱۳۵۱ه.ش به بعد نزد افکار عمومی غرب متحد شوروی در این منطقه محسوب می‌شد؛ سوم جنگ تحمیلی در دوران جنگ سرد شروع شد و امکان بهره‌برداری ابرقدرت‌ها برای افزایش نفوذ خود در منطقه و خلیج فارس وجود داشت (گزارش سالانه سنای امریکا، ۱۹۸۷: ۱۰).

در حالی که روابط میان ایران و ایالت متحده پس از وقوع انقلاب اسلامی و به خصوص با بحران گروگان‌گیری کارکنان سفارت ایالات متحده در تهران، بحرانی شده بود و ایالات متحده سیاست اعمال تحریم‌های سیاسی-اقتصادی، بلوکه کردن دارایی‌های ایران در خارج از کشور، طراحی حمله به طبرس، حمایت از گروهک‌های ضدانقلاب و

^۱ . George Kenan

کودتاجیان نوژه و بالاخره نشان دادن چراغ سبز به صدام حسین را در پیش گرفته بود، با شروع جنگ تحمیلی با انتشار بیانیه‌ای اعلام بی‌طرفی کرد. این بی‌طرفی هرچند در عمل رنگ واقعیت به خود نگرفت. برژینسکی^۱ مشاور امنیت ملی کارتر پیش از آغاز جنگ اعلام کرده بود که ایالات متحده در مقابله با انقلاب ایران باید تقویت دولت‌هایی را که توان انجام عملیات نظامی علیه رژیم ایران را دارا هستند مورد توجه قرار دهد (محمدی، ۱۳۷۲: ۱۰). ایالات متحده اعتقاد داشت که درگیر کردن ایران به جنگ باعث می‌شود تا مسئولان کشور در سیاست‌های خود تجدیدنظر کنند (رحمانی، ۱۳۸۳: ۶۶). این موضوع به همراه نوسانات عظیم اقتصادی در ایران به دلیل گران شدن نفت در سال ۱۹۷۳م به بعد بر اثر تحریم نفتی کشورهای عربی علیه غرب به بهانه جنگ با اسرائیل و حامیانش که منجر به وقوع انقلاب اسلامی ایران و حساسیت بیش‌تر آمریکا و غرب نسبت به منطقه خاورمیانه منجر شد. در این راستا، جنگ ایران و عراق موقعیتی را پدید آورده بود که پیروزی هر یک از این دو کشور، با توجه به گرایش‌های تند حکومت‌های آن‌ها در منطقه و جهان، مشکلاتی را برای عرضه آزاد و مطمئن نفت خام برای جهان صنعتی فراهم می‌کرد. این وضعیت باعث شد تا ایالات متحده با طراحی سیاست مهار دو جانبه ایران و عراق را درگیر جنگ و در نهایت هر دو کشور را تضعیف نماید. در این راستا یاکوولو^۲ به نقل از بلوسوا^۳ معتقد است که سیاست مهار دو جانبه ایالات متحده متأثر از عوامل مختلفی بود. از جمله: نخست، حفظ منافع سیاسی، اقتصادی، نظامی ایالات متحده دوم، با توجه به پتانسیل دو کشور، ایالات متحده سعی در تعادل و توازن میان دو کشور تأثیرگذار منطقه بود. تلاشی که متأثر از وضعیت داخلی در ایران و عراق و مواجهه با اتحاد جماهیر شوروی بود. وی ضمن گذری بر تاریخ روابط ایران و عراق که قبل از انقلاب درگیری‌های خفیف مرزی داشته‌اند، اما مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) عوامل جدیدی باعث نگرانی دولت عراق شد. از جمله این‌که در جنوب عراق شیعیان زندگی می‌کردند و یک دولت شیعی در ایران به پیروزی رسیده بود. همچنین، امام خمینی (ره) خود در نجف درس خوانده بود و این مکتب در میان شیعیان بسیار تأثیرگذار بود و دیگر این‌که نفوذ معنوی امام خمینی (ره) در جامعه عراق؛ همه این

۱. Brzezinski

۲. Yakovlev

۳. Belosva

عوامل باعث نگرانی دولت عراق می‌شدند. در این زمان سیر حوادث در دو کشور ایران و عراق کاملاً برخلاف هم در حرکت بود؛ در حالی که حکومت جمهوری اسلامی در ایران در حال سقوط بود، حکومت جمهوری در عراق در حال تبدیل شدن به قدرت منطقه بود. در این زمان دو دسته عوامل داخلی و خارجی در سیاست عراق تأثیرگذار بودند:

الف) عوامل داخلی: نفوذ و تأثیرگذاری ایدئولوژی انقلاب اسلامی و تفکر امام خمینی بر شیعیان عراق و سردرگمی صدام نسبت به پذیرش نفوذ اندیشه انقلاب اسلامی یا اتخاذ اقدام نظامی و از طرفی کینه دیرینه تحقیر عراق که خود صدام حسین امضا کننده آن در سال ۱۹۷۵م در الجزایر بود و از طرفی تضعیف شدید ارتش ایران به دلایل مختلف از جمله برخوردهای ناشیانه انقلاب اسلامی. در ابتدا ارتش به عنوان تنها مدافع مرزهای کشور بود.

ب) عوامل خارجی: سودای رهبری منطقه از سوی عراق و تلاش برای کسب جایگاه مصر در میان کشورهای منطقه. نفت عامل تعیین‌کننده مهم دیگری در تعیین جهت سیاست‌های کلی عراق در این دوره به شمار می‌رفت؛ صدام حسین تلاش داشت با تسلط بر منابع نفتی خوزستان، ضمن تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی ایران، به منابع عظیم نفت منطقه نیز تسلط پیدا کند. این مسائل او را برای برتری‌یابی در منطقه وسوسه می‌کردند؛ سیاست ایالات متحده عامل تأثیرگذار بر این روند بود. در ۲۴ آگوست سال ۱۹۷۷م دکترین کارتر مطرح شد و تشکیل نیروی واکنش سریع در منطقه خلیج فارس در دستور کار این کشور قرار گرفت. در این دکترین منطقه خلیج فارس را به عنوان یک منطقه مهم راهبردی شناخته بود و پیش‌بینی شده بود که امکان دخالت قدرت‌های خارجی از جمله ایالات متحده برای واکنش به تجاوز خارجی در جهت حمایت از متحدین خود و تضمین امنیت نفت‌کش‌ها قابل پیش‌بینی است» (Яковлев,¹ 1985: 51). این در حالی بود که ایران به عنوان ژاندارم منطقه در زمان پهلوی و متحد ایالات متحده تلقی می‌شد؛ اما به دنبال سقوط شاه، ایالات متحده در صدد ادامه تسلط خود بر منطقه در راستای حفظ منافع خود برآمد. منطقه‌ای که به گفته کارتر «بیش از دو سوم نفت جهان را تأمین می‌کند» (Яковлев,² 1985: 51). در تأیید نقش ایالات متحده در جنگ ایران و عراق، آقاییف^۳ به

1. Yakovlev
2. Yakovlev
3. Agayev

نقل از لئونید ایلیچ برژینف^۱ می نویسد: «ادامه پیدا کردن یک جنگ تراژدیک بی فایده میان ایران و عراق برای چه بود؟ این یک نمونه واضح است که این گونه جنگ ها برای کشورهای جهان سوم همیشه وجود خواهد داشت که جزء سیاست های امپریالیستی است. چه کسی از این جنگ سودی برد؟ البته نه عراق و نه ایران. آن ها فقط اقتصاد خود را ویران کردند و بسیاری از مردم بی گناه مردند. پس چه کسی سود برد؟ الآن کاملاً روشن است برای جهان، کاملاً واضح است که الآن نیز جنگ های ملی در شرق نزدیک و میانه در حال وقوع است. در جنگ ایران و عراق تلاش شد تا سیاست ضد امپریالیستی این دو کشور را تضعیف نموده و به خاطر همه این مسائل سیاست امپریالیسم دو ملت همسایه در خون خود غرق شدند» (Агаев^۲, 1981: 245).

۴-۱. سیاست «جنگ مار و عقرب» و ایالات متحده

ایالات متحده تلاش داشت تا دو قدرت منطقه توسط یکدیگر نابود شوند. در راستای سیاست مهار دوجانبه ایالات متحده می توان به این ضرب المثل عربی استناد کرد که «بگذار عقرب مار را بکشد» (Абальян, 2015: 55). بر اساس این اسناد دو کشور ایران و عراق بایستی آن چنان درگیر جنگ و نابودی همدیگر شوند که در واقع سیاست مهار دو جانبه تحقق پیدا کند؛ لذا در ابتدا آمریکا تلاش داشت تا با وقوع یک جنگ میان این دو، از افراط گرایی و رادیکالیسم انقلاب ایران بکاهد و از سوی دیگر نیز ایران مانع از بلندپروازی های عراق در سطح منطقه و در مواجهه با کشورهای همسایه گردد. Абальян (2015: 55). در این راستا، در سیاست ایالات متحده عراق به مثابه عقرب بود و ایران به مثابه مار. همان گونه که در بالا توضیح داده شده است بعد از سقوط شاه و وقوع انقلاب اسلامی، ایران از مدار ایالات متحده خارج گشته و به دشمن درجه یک این کشور تبدیل شد. در این زمان روابط ایالات متحده و عراق نیز چندان مناسب نبود. گرچه ایالات متحده تلاش نمود روابط خود را با عراق بهبود بخشد تا بتواند آن را در جهت ترغیب به جنگ با ایران وادار کند، اما سابقه روابط این دو چندان خوب به نظر نمی رسید. در این راستا ابالیان به نقل از صدام حسین بیان کرد که: «ما روابط دیپلماتیک با ایالات متحده نداریم و ایالات متحده را دشمن ملت عرب و دشمن عراق می دانیم» (ibid)؛ اما ایالات متحده تلاش

1. Pylich Berzhinov

2. Agayev

داشت تا روابط خود را با عراق بهبود بخشد. سه عامل در بهبود روابط ایالات متحده با عراق دخیل بودند. اول، دشمنی عراق با اسرائیل که در صورت جنگ با ایران تمرکز عراق از سمت اسرائیل به سوی ایران جلب می‌شد؛ دوم، ترس از اتحاد عراق با شوروی؛ سوم، از میان کشورهای منطقه تنها عراق پتانسیل لازم را در جهت حمله به ایران داشت. این سه عامل باعث گسترش روابط ایالات متحده با عراق شد. هر چند که ایالات متحده به عراق به عنوان یک متحد نگاه نمی‌کرد و عراق بیش‌تر یک متحد در راستای اهداف شوروی تلقی می‌شد. به همین خاطر عراق (عقرب) و ایران (مار) بایستی درجه اول تضعیف می‌شدند و حتی مار توسط عقرب نابود می‌گردید.

۵. سیاست جنگ همه علیه ایران

ایالات متحده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اقدام نظامی علیه ایران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه را در دستور کار خود قرار داد. عراق و ایالات متحده در ابتدا احساس می‌کردند با توجه به اوضاع نامساعد ایران در آستانه انقلاب، از هم‌پاشیدگی ارتش و سایر نیروهای نظامی فرصتی برای شکست بسیار سریع ایران خواهد بود و پیروزی به سرعت به دست خواهد آمد. این سیاست ایالات متحده مبنی بر وقوع جنگ بین ایران و عراق برای ایالات متحده بسیار سودآور تلقی شده بود. اول، زمینه برای گسترش نفوذ ایالات متحده در منطقه فراهم می‌شد. دوم، هر دو کشور عراق و ایران را تضعیف می‌کرد. چرا که هر دو کشور پتانسیل فراوانی علیه ایالات متحده داشتند؛ بنابراین ایالات متحده تلاش نمود تا روابط خود را با عراق تقویت نماید. در این راستا برژینسکی^۱ اعلام کرد که: «ما گمان نمی‌کنیم که منافع عراق و ایالات متحده در وضعیت ناسازگاری باشد. ما تلاش عراق برای تضمین امنیت در منطقه را درک می‌کنیم و گمان نمی‌کنیم که روابط عراق با ایالات متحده در بستر نامتعادلی رشد کند. ما نمی‌خواهیم که چنین شرایط نامطلوبی در روابط ما حفظ شود، بلکه ما خواهان آن هستیم که روابط با عراقی‌ها بهتر شده و وارد مرحله خوبی خواهد شد» (Department of State, Bureau of Public Affairs, 1980)؛ اما بر اساس (دیدگاه محققان روسی بررسی شده در این مقاله)، جنگ ایران و عراق جنگی نابرابر توصیف شده است که با توجه به نقش ایالات متحده در آن؛ جنگ ایران و عراق را نه یک جنگ منطقه‌ای، بلکه جنگی بین‌المللی علیه یک کشور می

^۱ . Brzezinski

توان به حساب آورد. این اسناد، علاوه بر بعد بین‌المللی، آن را در مقیاسی کوچک‌تر جنگی منطقه‌ای علیه ایران تلقی می‌کنند. گرچه ممکن است به صراحت این مفاهیم را به کار نبرند، ولی در خلال نوشته‌های آن‌ها و با تجزیه و تحلیل آمار کمک‌های جهانی به عراق و عدم کمک به ایران، کاملاً ارزش جنگ و دفاع ایران نشان داده می‌شود.

در این راستا، ملکومیان ضمن اینکه سیاست کشورهای عربی در حمایت از عراق را بررسی کرده و معتقد است که اعضای اتحادیه عرب گرچه می‌توانستند حالت بی‌طرفی یا حداقل یک رویکرد واحد در قبال این جنگ اتخاذ کنند و مانع آن شوند، ولی در ظاهر رویکرد بی‌طرفی اعلام کردند؛ اما در اصل رویکردی جانب‌دارانه در جهت حمایت از عراق را در پیش گرفتند. در این راستا عربستان و کویت عملاً و به صورت شفاف از عراق حمایت همه‌جانبه نمودند، زیرا آن‌ها از صدور انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) ترس داشتند (Melkumyan, 2002: 55). در این راستا «ابالیان» به نقل از انا ایگورایونا^۲ استاد دانشگاه سنت پترزبورگ بیان می‌کند که علاوه بر کشورهای عربی، اتحاد جماهیر شوروی نیز به حمایت از عراق پرداخت. وی می‌گوید در ۱۸ ژوئن ۱۹۸۱ اولین هیأت عراق به ریاست طاها یاسین رمضان به مسکو دعوت شد که در نتیجه این گفتگوها یک موافقت‌نامه دوجانبه در حوزه اقتصادی، تجارت و تکنولوژی به امضاء دو طرف رسید؛ علاوه بر آن در حوزه نظامی نیز توافقاتی حاصل شد. طی سال ۱۹۸۲ ضمن تأکید بر قرارداد ۱۹۸۱ دولت شوروی تضمین کرد که بیش از ۷۰ درصد نیاز تسلیحاتی عراق را تأمین کند. این قرارداد نشان می‌دهد که دولت شوروی نیز حمایت همه‌جانبه‌ای از دولت عراق داشته است (Абалян, Там же: 55). فرانسه یکی دیگر از قدرت‌های غربی بود که به صورت جدی به عراق کمک کرد. این کشور کمک‌های خود به عراق را از اوایل جنگ شروع کرد به‌گونه‌ای که همکاری نظامی فرانسه با عراق در میانه سال ۱۹۷۰ شروع شد. بدین ترتیب فرانسه بعد از شوروی دومین صادرکننده سلاح به عراق به حساب می‌آمد. در دو سال اول جنگ فرانسه بالغ بر ۶/۵ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به عراق فروخت به صورتی که بدهی ۱۵ میلیارد فرانکی عراق به فرانسه در سال ۱۹۸۱ در سال ۱۹۸۶ به ۵ میلیارد دلار افزایش یافت. دیگر قدرت‌های غربی که به عراق کمک کرده و با این کشور همکاری داشتند؛ عبارت‌اند از: سوئیس، پرتغال، اسپانیا. همکاری این

1. Melkumyan

2. Ana Igorayevna

کشورها نیز در حوزه نظامی و تسلیحاتی بود که البته در مقیاسی پایین‌تر به نسبت ایالات متحده و فرانسه صورت می‌گرفت. همه این آمارها از دیدگاه محققان روس نوعی جنگ نابرابر تلقی شده که بر علیه ایران به راه انداخته شد (ibid, 290).

۱-۵. سیاست استاندارد دوگانه و جنگ ایران و عراق

الکساندر خرامچیکین در مورد جنگ ایران و عراق با به کار بردن اصطلاح استاندارد دوگانه این سؤال را مطرح می‌کند که چرا در آغاز جنگ ایران و عراق جامعه بین‌الملل به صورت همه جانبه از عراق حمایت کرد؛ اما در موضوع جنگ عراق با کویت همه بر علیه عراق موضع گرفتند و چه تفاوتی بین ایران با کویت در زمان جنگ عراق و ایران با عراق زمان جنگ با کویت وجود داشت؟ چرا عراق باید در زمان جنگ با ایران مورد حمایت همه جانبه از سوی نظام بین‌المللی قرار گیرد و حتی بیشترین کمک نظامی را از اتحاد شوروی دریافت کند؟ اما در زمان جنگ با کویت همه بر علیه او باشند؟ (Храмчихин, 2014: 3-9) این محقق و نویسنده روس به وضوح و کاملاً مشخص حمایت همه‌جانبه از عراق را نشان داده و حتی از عبارت تجاوز عراق به ایران و سیاست استاندارد دوگانه استفاده می‌کند. این مسأله در دیدگاه محققان روس، ناحق بودن جنگ را مشخص می‌کند و بلافاصله بیان می‌کنند که چرا علی‌رغم ناحق بودن عراق علیه ایران، بایستی از طرف ناحق حمایت همه جانبه شود (ibid, 3-9).

۶- حمایت نظام بین‌الملل از عراق، عدم حمایت از ایران و شکوه دفاع مقدس در نگاه اسناد روس

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران هنگامی آغاز شد که مدت کوتاهی از پیروزی انقلاب می‌گذشت و به چند دلیل ایران نمی‌توانست متحد راهبردی داشته باشد؛ نخست این که نظام سیاسی ایران هنوز ثبات کامل نیافته بود، درگیری‌های تجزیه‌طلبانه و جنگ و گریز در بعضی نقاط کشور وجود داشت. کشمکش سیاسی در رأس دولت و عدم وجود راهبرد صحیح، آینده روشنی از نظر دول خارجی نشان نمی‌داد. به طور طبیعی، هیچ کشوری سرنوشت خود را با این دولت که تازه از زیر گرد و غبار انقلاب برخاسته بود پیوند نمی‌زد. دوم، این که شعارهای انقلاب، ماهیت استکبارستیزی انقلاب و مخالفت انقلاب اسلامی با نظم حاکم بر جهان، یکی از دلایل مهمی بود که نه تنها انقلاب اسلامی ایران در صحنه سیاسی شطرنج جهانی تنها باشد؛ بلکه همه قدرت‌ها علیه آن دست به دست

هم بدهند. دو قدرت بزرگ جهانی که دو قطب ایدئولوژیکی را تشکیل می‌دادند در کنار کشورهایی مانند فرانسه و انگلستان، همه از مخالفین انقلاب اسلامی بودند؛ بنابراین حتی اگر ایران خود نیز می‌خواست، نمی‌توانست متحدی راهبردی داشته باشد. در این شرایط، جمهوری اسلامی ایران با اتکا به قدرت ملی خود به دفاع پرداخت. طی جنگ بعضی از کشورها که خود نیز وضع چندان خوبی نداشتند، به حمایت محدود از ایران پرداختند؛ اما این حمایت‌ها به هیچ‌وجه مشابه حمایت حامیان عراق نبود. ایران از کمک کره شمالی، لیبی و سوریه برخوردار بود، اما به چند دلیل این کمک‌ها ناچیز بودند؛ اول این‌که، این سه کشور خود با مشکلات مرزی متعددی مواجه بودند. کره شمالی در جوار کره جنوبی که نیروهای ایالات متحده در آن حضور داشتند و دولت لیبی مشکلاتی در چاد و سوریه نیز بخشی از نیروهای خود را در لبنان به کار گرفته بود. کمک‌های این سه کشور در مقابل کمک‌هایی که از هر سو به بغداد سرازیر بود، بسیار ناچیز قلمداد می‌شود. خرید هر نوع تسلیحات از این کشورها صرفاً به صورت نقدی و پرداخت فوری هزینه صورت می‌گرفت؛ اما عراق تسلیحات دریافتی خود را عمدتاً از طریق وام‌های بلندمدت دریافت می‌کرد و یا این‌که کشورهای عربی هزینه آن را پرداخت می‌کردند. دوم، این‌که سوریه و لیبی به این نقطه واقف بودند که ایدئولوژی انقلاب اسلامی برای ایدئولوژی پان‌عربیسم آنان بسیار خطرناک بود و تضعیف آن‌ها را به دنبال داشت. به همین دلیل، ورود هرگونه روزنامه یا کتاب ایرانی به لیبی به شدت ممنوع بود و در سوریه نیز سانسور آن‌ها با جدیت دنبال می‌شد. حمایت محدود سوریه از ایران بیش‌تر به دلیل اصطکاک بین دو شاخه حزب بعث در بغداد و دمشق بود و جنگ ایران و عراق این فرصت را به حافظ اسد می‌داد که رقیب خود صدام حسین را که برای رهبری جهان عرب تلاش می‌کرد، تضعیف کند. قذافی هم به دلیل جاه‌طلبی‌های خود که به رنگ کرم‌لین آراسته بود، نمی‌توانست بدون مخدوش شدن چهره به ظاهر اسلامی خود که در طول دو دهه موفق به ساختن آن شده بود، خود را از جناح ایران بیرون بکشد. سوریه نیز با مشکلات مربوط به جنبش‌های اسلامی روبرو بود؛ بنابراین، با حمایت از ایران سعی داشت جنبش‌های اسلامی مخالف خود را خنثی کند. پس حمایت این سه کشور از ایران شباهتی به حمایت کشورهای حامی عراق چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت نداشت. کشورهای عربی و غربی در مقابل کمک‌های خود به عراق هیچ چیز جز جنگ توقع نداشتند؛ اما این سه کشور هر چه در اختیار ایران قرار می‌دادند، بلافاصله بهای آن را نقداً دریافت می‌کردند.

گاه هم مبالغی اضافه به عنوان جایگزین خسارت‌های عدم همکاری با عراق از ما طلب می‌کردند. به خصوص سوریه که بیش‌تر نیازهای نفتی خود را از ایران تأمین می‌کرد (رحیمی روشن، ۱۳۸۵: ۲۴۷-۲۴۸). از نگاه اسناد روسی در زمان شروع جنگ ایران و عراق، نظام بین‌الملل متشکل از روسیه شوروی، ایالات متحده، اتحادیه عرب، فرانسه، پرتغال و اسپانیا به حمایت از عراق پرداختند. دولت عراق در آغاز جنگ یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان سوم بود و همین قدرت اقتصادی و نظامی صدام او را دچار توهم کرده بود، به‌گونه‌ای که در آغاز جنگ اعلام کرد که «اکنون اعراب می‌توانند راحت بخوابند چون که صدام و عراق هستند و امپریالیسم، صهیونیسم و خمینیسم نخواهند بود» (Джумхурия,¹ 1980: 3-9). روی هم رفته صدام حسین و دولت عراق ۳۵ میلیارد دلار فقط از کشورهای غربی دریافت نمودند و کشورهای عربی نیز ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار به عراق کمک نمود. در ادامه نسبت محققان روس حجم کمک‌های خارجی به دولت عراق را به صورت زیر بیان می‌کنند (جدول ۱).

جدول ۱: کمک‌های انجام شده به دولت عراق در سال‌های جنگ تحمیلی (بر حسب دلار آمریکا)

کشورها	درصد	درصد تجمعی
شوروی	۲۵/۲	۵۷
فرانسه	۵/۶	۱۳
چین	۵/۲	۱۲
چکسلواکی	۲/۹	۷
لهستان	۱/۷	۴
برزیل	۰/۷	۲
مصر	۰/۶	۱
دیگر کشورها	۲/۱	۴

کشورهای فوق ۴۳/۹ درصد از تمام کمک‌های خارجی انجام شده به دولت عراق را به خود اختصاص می‌دهند (Ниязатов,² 1989: 112) و بر طبق اظهارات انا ایگورایونا، کمک‌های ایالات متحده به عراق بالغ بر ۶۶۰ میلیارد دلار می‌شد و با توجه به حجم زیاد کمک‌های ایالات متحده به عراق نمی‌توان آمار دقیقی را ارائه داد.

¹ . Jumhuria

² . Niyazmatov

چنانچه بخواهیم آمار ارائه شده توسط روس‌ها را تجزیه و تحلیل کنیم، می‌توان گفت که یکی از موضوعات بسیار مهم در جنگ ایران و عراق، متکی نبودن ایران به قدرت‌های خارجی است. کمک‌های خارجی که شامل اتحادهای سیاسی، کمک‌های نظامی و تبلیغی بودند، هیچ نقشی در دفاع مردم ایران نداشتند. ایران در زمان انقلاب هیچ ذخیره ارزی نداشت و در اثر تحریم‌ها، از مشکلات عدیده‌ای، چون انسداد پولی و مالی رنج می‌برد. در چنین شرایطی، سیاست ایران (با توجه به مفاهیم اسلامی و با تجربه تاریخی ایران) متکی نبودن به خارج بود و از سوی دیگر، ماهیت انقلاب اسلامی مخالف نظم موجود جهانی بود؛ بنابراین همه قدرت‌های موجود جهانی و منطقه‌ای، منافع خود را در ضدیت با آن می‌دیدند؛ چرا که انقلاب ایران پدیده‌ای جدید بود که قدرت‌های بزرگ با ناباوری همراه با خصومت به آن می‌نگریستند. این مسائل، برای ایران روشن و قابل پیش‌بینی بود. در نتیجه، در نبرد با دشمن خارجی نیز راهکار اتکا به قدرت ملی و مذهبی، اصل قرار داده شد. از نظر رهبری انقلاب، اتخاذ این راهبرد، برای ملت ایران موفقیتی بزرگ محسوب می‌شد. ایشان در این باره فرمودند: «خدا را سپاس می‌گوییم که منت هیچ ابرقدرتی در جنگ به گردن ما نیست و مردم با استعانت از خدا، یکه و تنها و مظلومانه، بر مشکلات... فائق آمدند (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱۴-۱۷ / ۲۲۰-۲۵۰). در جنگ با عراق، ایران نه به کمک خارجی چشم دوخت و نه به مذاکرات سیاسی پس از اشغال و آتش‌بس، دل خوش کرد؛ بلکه با تکیه بر امکانات مادی و معنوی داخلی توانست سرافراز از جنگ بیرون بیاید.

۶-۱. دلایل اهمیت دفاع مقدس در نگاه اسناد روسی

با مطالعه کتب، مقالات، سایت‌ها، پژوهش‌ها و رساله‌های محققان روسی می‌توان به دلایل اهمیت دفاع مقدس از نگاه آن‌ها پی برد. گرچه آن‌ها در پژوهش‌های خود کاملاً بی‌طرف به قضیه نگاه نموده و به صورت علمی تجزیه و تحلیل نموده‌اند و اصطلاح خاصی در جهت عظمت دفاع مقدس استفاده نکرده‌اند؛ اما به جرأت می‌توان گفت که بیش‌تر تحلیل‌های آن‌ها حکایت از برتری ایران و اهمیت هشت ساله جنگ با عراق دارد. عواملی که در نظر روس‌ها عظمت دفاع مقدس را نشان می‌دهد به قرار زیر است:

اول، حمایت ساختار بین‌المللی متشکل از دو بلوک شرق و غرب از عراق و عدم حمایت از ایران؛ دوم، ارائه آمارهایی از حجم کمک‌های اقتصادی، سیاسی و به ویژه

نظامی به دولت عراق از جانب شوروی، ایالات متحده، فرانسه، مصر، اتحادیه عرب، سوئیس، پرتغال، اسپانیا و دیگر کشورهای جهان و عدم کمک و حمایت از دولت ایران؛ سوم، شرایط وخیم سیاسی، نظامی، اقتصادی ایران در آستانه انقلاب و فقدان این شرایط در عراق؛ چهارم، علاوه بر کمک‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی دو بلوک، کمک لجستیکی و اطلاعاتی کشورهای شرقی و غربی به عراق را نیز باید در کنار آمار فوق در نظر گرفت؛ پنجم، این که ایران شروع‌کننده جنگ نبوده و قصد تجاوز به کشور خارجی را نداشته و در مقابل انتظار شروع جنگ علیه خود را نیز نداشت، بلکه این عراق بود که به ایران حمله نمود و حاکمیت ایران را نقض کرد؛ ششم، با این که ایران شروع‌کننده جنگ نبود و هشت سال در برابر نظام بین‌المللی مقاومت کرد، اما قصد خاتمه دادن به جنگ را بعد از هشت سال نداشت. نویسندگان و محققان روس بارها این جمله امام (ره) را در متن مقالات و نوشته‌های خود به کار برده‌اند: «ما می‌جنگیم بر علیه امپریالیسم ایالات متحده و دیگر قدرت‌ها تا آخرین قطره خون خود. ما انقلاب خود را به همه کشورها، صادر می‌کنیم فعلاً اسلام در همه جای جهان پیروز نشده است، جنگ ادامه خواهد داشت» (Шуайб,¹ 2007: 40-83). این گفته امام خمینی (ره) از دو جهت برای روس‌ها اهمیت دارد. اول، علی‌رغم گذشت ۸ سال از جنگ و حمایت همه‌جانبه از عراق، این ایران است که بر ادامه جنگ اصرار دارد. این مسأله حکایت از توان و آمادگی ایران در ادامه جنگ دارد. دوم، در جنگ، ایران هدفمندتر از عراق عمل می‌کرد، گرچه خود شروع‌کننده جنگ نبوده است. این مسأله نیز نشان از روحیه و کسب تجربه ایران در جنگ دارد و هر چه از جنگ می‌گذرد، روحیه مقاومت ایران تقویت شده و بر ادامه جنگ اصرار بیش‌تری می‌ورزید. نکات فوق در میان تحلیل‌های محققان روس دیده می‌شود. آن‌ها از اصطلاحاتی چون جنگ نابرابر، حمایت همه‌جانبه از عراق، استاندارد دوگانه، سیاست نابودی مار توسط عقرب، جنگ تحمیل‌شده بر ایران، ناحق بودن صدام و جنگ تراژیک برای توصیف این جنگ استفاده کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

با بررسی این مقاله تحت عنوان قدرت‌های جهانی و دفاع مقدس (با تأکید بر رویکرد نخبگان روسیه) و در پاسخ به سؤال این پژوهش می‌توان بیان داشت که دفاع مقدس از

¹ . Shuaib

این جهت در میان اسناد روسیه بازتاب وسیعی داشته است که راهبرد ایران بر خلاف عراق، متکی نبودن به قدرت‌های خارجی در مقابل حمایت همه‌جانبه از عراق در طول هشت سال دفاع مقدس بوده است. آن‌ها در تحلیل نوشته‌های خود به دو عامل در موفقیت ایران تأکید دارند. اول این‌که چگونه ایران در مقابل نظام بین‌الملل و این همه کمک به دولت عراق هشت سال مقاومت کرد و بعد از هشت سال تمایلی به اتمام جنگ نداشت و بلکه از روحیه برتری جهت ادامه جنگ برخوردار بود. دوم در مقایسه با عراق، ایران هدفمندتر و سازمان‌یافته‌تر می‌جنگید و در پشت جنگ خود اهدافی ایدئولوژیک داشت که این موضوع قدرت معنوی و روحانی به ایران می‌بخشید و ایران را بر ادامه جنگ ترغیب می‌نمود؛ بنابراین می‌توان به سؤال پژوهش پاسخ داد. چرا دفاع مقدس و مقاومت ایران در برابر دشمن بعثی عراق در میان اسناد روسی بازتاب وسیعی داشته است؟ چرا با وجود سیاست شوروی در جهت حمایت از عراق و کمک همه‌جانبه به این کشور، مقاومت هشت ساله ایران در جنگ تحمیلی در نگاه محققان روسیه دارای عظمت و اهمیت شایان توجه می‌باشد؟ لذا می‌توان گفت فرضیه این مقاله مبنی بر این‌که «اهمیت دفاع مقدس در نگاه محققان روسیه ناشی از حمایت همه‌جانبه نظام بین‌الملل از رژیم بعث و متکی به خود بودن و عدم حمایت خارجی از ایران در طول جنگ است» بر اساس مستندات و اسناد روسی تأیید شده و این اسناد همگی بر عدم حمایت خارجی از ایران و متکی بودن به خود صحنه می‌گذارند.

فهرست منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). «راهبرد مهار ایران؛ ابعاد و چالش‌های منطقه‌ای»، مرکز پژوهش‌های راهبردی، شماره ۴۷.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۴). «سیاست خارجی منطقه‌ای ایران»، ترجمه علیرضا طیب، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، سال هفتم، شماره ۱۱-۱۲.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰). *صحیفه نور*، جلد ۱۴ و ۱۷، چاپ دوم، تهران: ارشاد.
- درودیان، محمد (۱۳۸۰). *پرسش‌های اساسی جنگ*، تهران: موسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب.

- رحمانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳). بی‌پرده با هاشمی رفسنجانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- رحیمی روشن، حسن (۱۳۸۵). *از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر*، تهران: صریح.
- صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۶). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۶۸*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ماه‌نامه نگاه (۱۳۸۱). «گزارش‌ها و تحلیل‌های نظامی-راهبردی»، سال سوم، شماره ۲۶.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۲). «علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*. دوره ۳۰، شماره پیاپی ۱۱۴۲.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۸۴)، *سیاست میان‌ملت‌ها*، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
- موری، انکین (۱۳۷۴). «اسطوره‌های روابط ایران و شوروی»، ترجمه الهه کولایی، راهبرد، شماره ۱۴.

ب) سایت‌های اینترنتی

- جنگ در خلیج فارس (گزارش سالانه سنای امریکا) - منتشر شده در اکتبر ۱۹۸۷، تاریخ مراجعه ۱۳۹۳/۸/۱۱: mस्पuemam.Persiangig.com
- نقش شوروی سابق در جنگ ایران و عراق، تاریخ مراجعه ۱۳۹۷/۷/۱۵: <http://dsrc.ir/View/article.aspx?id=1487>
- یکتا (۱۳۸۸). مواضع قدرت‌های بزرگ و جنگ ایران و عراق، تاریخ مراجعه ۱۳۹۷/۸/۱۲: <http://www.farsnews.net>

ج) منابع روسی

- Агаев С.Л.(1981), *Иран в прошлом и настоящем: Пути и формы революционного процесса.* — М.: Наука.
- Александр Храмчихин,(2014) *Ирак против Ирана в борьбе за нефть, 10 ноября* ,<http://rusplt.ru/world/poslednyaya-klassicheskaya-voyna-14175.html>
- А. И. Абалян(2015), *ИРАНО-ИРАКСКИЙ ВООРУЖЕННЫЙ КОНФЛИКТ 1980–1988 гг. И ЕГО ВЛИЯНИЕ НА СИСТЕМУ МЕЖДУНАРОДНЫХ ОТНОШЕНИЙ НА БЛИЖНЕМ ВОСТОКЕ*, Вестник С УДК 316.482 ПБГУ. Вып.Аль-Джумхурия, 1980, 17 декабря.
- Демченко П. В интересах добрососедства // Правда. 1982. 9 марта.
- Мелкумян Е. С. (2002), *Политика Ирака в отношении государств — членов ССАГПЗ на современном этапе // Республика Ирак в системе международных отношений (80-е годы XX в.- начало XXI в.)*. М.: ИВ РАН и Российская Академия естественных наук.

- Mashkin V. Yakovlev A. (1985), *Персидский залив в планах и политике Запада*. М.
- Муртазаева Гульнара Ризаевна, (2014), *Советско/российско-иранские отношения в 1979–2008 гг.: этапы и специфика внешней политики СССР и России*, Диссертация на соискание ученой степени кандидата исторических наук, Федеральное государственное автономное образовательное учреждение высшего профессионального образования «Волгоградский государственный университет».
- Ниязатов Ж.А. (1989), *Ирано-иракский конфликт. Исторический очерк*. — М.: Наука, — ISBN 0-016696-02-5, ББК 63.3.
- Хазанов А. М. (1995), *Политика СССР в «третьем мире» (в Азии и Африке) // Советская внешняя политика в годы «холодной войны» (1945–1985)*. Новое прочтение / отв. ред. Л. Н. Нежинский. М.
- Шуайб Сулейман, (2007), *Военно-политическое и оперативно-стратегическое содержание локальных войн в зоне Персидского (Арабского) залива (1980-2005 гг.)*. Дис. канд. ист. наук. М.

(د) منابع انگلیسی

- Claude Jr, Inis L. (1989), “The Balance of Power Revisited”, *Review of International Studies*, Vol. 15, No. 2.
- U.S. Department of State, Bureau of Public Affairs, *Testimony before the House of Representatives. Committee on Foreign Affairs*. (1980). 3 Sept. Current policy paper # 215. 5 Newsweek 6 Oct.
- Levy Jack S. William R. Thompson, (2010). *Causes of War*, Oxford: Wiley-Blackwell.
- Waltz Kenneth, (1979). *Theory of international politics*, New York: Random House.

The Holy Defense and the Global Powers: Exploring Russian Scholars' Opinions

Mohammad Farhadi;* *Rasoul Yahi*** *Norouz Hashem Zehi*; ***
*Ensiyeh Asghari*****

Abstract

The present article aims at analyzing the approaches of global powers towards the Iranian Holy Defense focusing on Russian scholars. After expanding on the conceptual framework of the subject of research, the balance of power and dual containment were used as theoretical approaches in explicating the topic. The data was gathered using a qualitative method and through studying Russian documents and research and by purposive sampling with theoretical saturation. The findings of this research show that from the perspective of the global powers, the war between Iran and Iraq has been one of the most complicated wars in the world and in the region: this war that broke out as a result of a strategic vacuum within the power structure of the Middle East, caused the Iraqi Ba'ath regime regard the Iranian revolution as both a threat and an opportunity. This interpretation gradually led to the alignment of Iraq with the interests of the United States in the region and ended in the war against the Islamic Republic of Iran, which along the Iranian resistance during the eight years of the Holy Defense and despite all the inequalities with the enemy in all respects, have raised much praise in the evaluations done by different countries including the ones carried out by Russian scholars.

Keywords: The Holy Defense, war, global powers, Iran, Russian scholars

* Corresponding author: PhD in Regional Studies of Russian and Central Asia, Academy of Sciences of Tajikistan; Email: farhadi_m2222@yahoo.com

** MA in Military Science; Email: m_karimi989@yahoo.com

*** PhD in Sociology, Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University-East Tehran Branch; Email: hashemzehi@yahoo.com

**** MA in Social Science Research, Member of the Group of Economic-Social Studies at Kando-Kav Institute, Tehran; Email: en_asghari2012@yahoo.com

| Received: November 11, 2018; Accepted: February 22, 2019|